

نعمت و کفران نعمت - 1

. ببخشید از کفران نعمت خیلی سخن می رود از نظر مولانا بالاترین کفران نعمت کدام است؟

دین و خود شناسی نعمت است ، دین یعنی به بیکرانگی خود رسیدن و باطن دنیا را دیدن . دین میگوید آدمی بسیار گسترده و با استعداد و قابلیت است . رها کردن دین و خود شناسی بالاترین کفران نعمت می باشد و بالاترین عذاب را دارد

کسانیکه مانع هدایت انبیاء می شدند خود را محتاج نمی دیدند که سخن نبی و صالحان را گوش کنند این عادت هر خود خواه است که حرف کسی را قبول نمی کند . چنان تسلیم هوای نفس و خود خواهی می شوند که عیب را از نفس خود نمی بینند و لذا به کسی هم گوش نمی دهند . این گونه عادت نشانه سقوط و عذاب است

دفتر، 3 بیت 395

.حمیتی بد جاهلیت در دماغ - بانگ شومی بر دمنشان کرد زاغ

میگوید که قوم سبا در اخلاق جاهلیت بسر می بردند و جاهلیت ، تعصب است و عدم قبول هدایت صالحان، این جاهلیت مانند بانگ شوم زاغ است بر خرابه های ویران ، مردم این گونه بانگ را نشانه های تیره بختی و گرفتاری و بروز خطرهای دانستند . این بانگ شوم جاهلیت و تعصب چنان بود که هر قوم سخنی را غیر سخن خود قوم و مواضع خود قوم و باورهای رایج کهنه قوم ، باور دیگری را قبول نداشتند و حاضر نبودند بجز باورشان به هیچ باوری گوش دهند و یا سخن صالحی را بشنوند . این اخلاق و رفتار در هر قومی نشانه فروپاشی و انهدام زیر بنای قوم گردیده و استمرار خواهد داشت . مولانا برای این اقوام رفتارهایی را ذکر می کند که در حق سایرین روا می داشتند

.بهر مظلومان همی کنند چاه - در چه افتادند و می گفتند آه

.کیست آن یوسف دل حق جوی تو - چون اسیری بسته اندر کوی تو

یوسف آن روح خداجوی و حقمدار و پر رحمت است که در نهاد همه از روز الست خداوند نهاده است این روح از دم الهی است و سر چشمه معنویت است این روح اسیر خودخواهی نفس گردیده و به زندان نفس افتاده و لذا باید نجات یابد

جبرئیلی را بر استن بسته ای - پر و بالش را به صد جا خسته ای

این روح را بر ستونی بسته اید و پر و بالش را صدها زخم زده اید این زخمها از گستاخی نفس سرکش بر پیکر روح وارد کرده اید

شناختن خود و خود شناسی که به خدا شناسی می رسد بالاترین کفران نعمت است که عذابی سخت در پی دارد